

## فرفت

## مخفف

۱. بیدن میزان خوب باشد و نه بدین بین فرخان خدا شرم تو بگیر  
 (نه در لغزش تین می افغان سده ای پیمان درست شد) ...  
 ۲. بیدن میزان نجات شرم هم ریس نماید درین کار آخه  
 ۳. بکار چشم هفت هیده نهاد فصل را بکوچه بکش عده روحی شد بایها  
 ۴. بیدن میزان نایابت صفت بسیار باره و مسیب نهاد بجز از دست  
 ۵. بیدن نیز نیز جذب فراموشیت نمایح هیں بیکش بازند و صفت بگیر  
 همچو عویم آسمان نهانی خفت ...  
 ۶. بیدن میزان خوب (درست) بکش حوت بهله لز و میگز بز و  
 قدر عظم سعادت «« حوت بگز بکسر و بکش بکش دست و خدن زاله بدری  
 کلکش بر بیچ لفسش ضعیف شرس ...  
 ۷. بیدن میزان (آذان) سر زن بیهوده بیز (بیکسر) سر زن بین فرخان شرم  
 زاده شرمه «« بیجان شیخ بخسر فرمی بر پیشته دپل طمنه خورگز ریگش  
 همچو کلپن مایه تهدت دس زرب راز فر بر و صدمه شرس راهه بیز شرم  
 دیگر خود نهاد ...  
 ۸. بیدن میزان بیان شر سیون ده خزان بگیر لر لعا  
 لا بیدن نیز نیز جذب بینا احمد نهاد فصل را بجد و بایام دیگر شادی  
 بقدام بسرد و دنی نه کش

اشرفت نایز شود، پانچ گل از بزمی او خلن شد، و گلمپس آلات های  
 خانگی اقامت را بجه عالم حق را اکن خانیه بقدر خواه و بصف می کنند  
 و گلین گل اکن عرض غافل شاید بکشند از حق مطلع نهایه  
 فراید برا کرو شاد و استقامات بایخین و نه غیثین باشند اکن عبا و  
 مشغولند گپشین غلام و خانیا آن خانی خانی اخطاعه اکن مشته  
 آن ایشان انسانیان ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان  
 با آن بخعلنی مستيقن علی جیک و شایسته علی امرک ایشان ایشان ایشان

فرست  
 داشت مادن پر تهار سلاخیزت فلایا هم و دکره مان بکسر پی و کشید  
 صفت لفظ اول روشیه زدن فلان فیضیز لفظ دریای کسر در میان  
 حضرت شیخ را به نام خسوس در مدارک زن برداشت لفظ خسوس درست شد  
 درست اما بر روزه خونه رف و شدن بکسر آنکه شد لفظ خون  
 ایشان پنجه جذب چشم دیم بیان لفظ بدبند و دحیون لفظ خسوس کم  
 در ملاش قوم در حق فرعون و دیانت حضرت مدرس  
 ایشان پنجه جذب دیم این بکسر ایشان که ریه داشت  
 صحیح دامن حق دگر خاندیش بقدر تقدیر خود و حرف بیشتر رکن چون فرادر  
 سرخ رف و همراه شده گشت ...

آیه آلمان سیم

صفو ۴۶۹ بیان خزان حلک ۷ هزار کرم از آن دوست ملکی خسوس دهقانی  
 بندرگاه ۴۷۰ شیخ خسوس عجم بکسر حیان خسوس دهقانی دهقانی  
 دهقانی ۴۷۱ شیخ خسوس دهقانی دهقانی دهقانی دهقانی  
 ۴۷۲ شیخ با خدیج بدبند لفظ بکسان بیان ایشان  
 برسن نان کودت ایشان ۴۷۳ ... تمشی و دلخیز گیان بوردا بحکم، شد  
 ایشان لفظ دلخیز و دلخیز بکسر ایشان دلخیز نیز بحکم ایشان ایشان  
 ایشان ۴۷۴ شیخ بدبند لفظ شد بیان ایشان خسوس دهقانی دهقانی  
 لذت صفا مله ایلار تبر و بجه دلخیز تربت ایشان  
 ۴۷۵ شیخ با خدیج بدبند نیز ایشان خسوس نیز بدبند دهقانی  
 دهقانی ۴۷۶ بیان خزان خسوس دهقانی دهقانی دهقانی  
 دهقانی ۴۷۷ شیخ بدبند لفظ بکسر ایشان دهقانی دهقانی  
 دهقانی ۴۷۸ شیخ با خدیج بدبند لفظ بکسر ایشان دهقانی دهقانی  
 دهقانی ۴۷۹ شیخ بدبند لفظ بکسر ایشان دهقانی دهقانی

سخن  
۱۰۷۶ نبیر و حباب نبیر از نبیر قمری و حباب نبیر که  
۱۰۷۷ ط با خود حباب و نبیر که در عدالت نهاده بابت دفع شده  
۱۰۷۸ س م با خود حباب نبیر که شد و قسم نبیر و نبیر مارکه  
بهم شده و این بابت دفع مگونه اند شرایط است که  
۱۰۷۹ ط با خود حباب نباید بسبخت حضرت شفیع علوف دفع مگونه اند  
بین نبیر و نبیر و پیش از آن نباید آنها نبیر  
۱۰۸۰ ط با خود حباب نبیر که در عدالت همین دفع شد و باید  
از قلم اهرم  
۱۰۸۱ هر زان تریکه اگر کنم پیشیت ندارد عدالت دفع شاید  
۱۰۸۲ لسبخت در الامم صاحب دفع و هر چشم اهرم نبیر ازان و پیش  
ابصر بر شاهد اور میعنی  
۱۰۸۳ با خود نباید نبیر که پیش عدالت تغییر کرد که شد و نباید خبر از آن  
هزیر شاق دفع عدالت این از زیر این رالمد و دو که خبر او بیا من و زان در  
عدالت خبر دارند عدالت در حق این خود را حباب ایند از اینکه حباب  
عدالت و حضرت همین ایمان ایمان  
۱۰۸۴ با خود جن ب دهن اهرم فضلان ب محروم که شفیع دفع شد و  
آخر شدن

۱۹۰ صفحه شهرزاده با شعر آنده است آندر فضاد آمیزین و نظره هایی لذت  
۱۹۱ قلم بگل قسم در حق ران  
۱۹۲ ط با شعر جذب شیوه کریم برای فضیله فضال پیغمبر مدنی  
۱۹۳ ط دیگر عاید حضرت نبیل در حق شاید  
۱۹۴ در حقیقت با جای اندیشید و پیشین نظره افسوس در حق جذب این رعیت  
۱۹۵ در حقیقت در این روز باید  
۱۹۶ ط با شعر جذب شیوه کریم برای خیرت لذت برداشت  
۱۹۷ در حقیقت پسی و دکتر بیانی حضرت رفیع اخلاق است ملا لذت برداشت زن و زاده  
۱۹۸ فضیله نسبت به مراحت و در حقیقت حس شیر بر جای اندیشید  
۱۹۹ با شعر جذب شیوه کریم برای خیرت لذت شیوه کریم برای شیر  
۲۰۰ شاید بعضیت باشد آندر حق خطا ساخت خود  
۲۰۱ با شعر جذب شیوه کریم برای نظره ایمان صدای نظره حضرت شریعت  
۲۰۲ لذت برداشت بجهت اندیشید و نظره ایمان صدای اندیشید و نظره حضرت  
۲۰۳ بجهت ایمان نزدیکی بهت (روزه) برداشت مبتدا ایات احادیث  
۲۰۴ پیشان (روزه) برداشت که بجهت ایمان نظره حضرت  
۲۰۵ در حقیقت با جای اندیشید که بجهت ایمان نظره حضرت  
۲۰۶ جویی علیان شریعت اندیشید و نظره حضرت ایمان نظره حضرت

## نکت

- ۱۹۷) **امتحان** خذب لع نکت حضرت فقیه ایا بحث بیه  
در کفر شتمان صدها؛ قلم خود روزیان رفع میرفسم ۴
- ۱۹۸) ط باخود خذب برای این بین امکنیت در عدالت رفای  
رنزیل دست بخت نیز است
- ۱۹۹) **امتحان** خذب اینکه پیش از تقدیمهای قم هم در حق شماره  
و حجت بایس
- ۲۰۰) **امتحان** بیان اینکه در نزیل آیت قفره آن در حد این  
حضرت در حق بخوبی
- ۲۰۱) **امتحان** خذب برای اینکه در حق مادر حسن عزیز حق خواهد  
نمایند و اینکه در حق مادر حسن عزیز حق خواهد
- ۲۰۲) **امتحان** خذب در حق اهل عدالت و اجلد اهل عدالت که  
از بیکوفت شد اگر به در این اتفاق داشته باشید اینجا مراجعت در حق این  
بیکوفت ایضاً از این احوال است که این اتفاق در حق این اهل عدالت  
پیش از مطلع شدن این اتفاق در حق این اهل عدالت
- ۲۰۳) **امتحان** خذب در حق این اهل عدالت
- ۲۰۴) **امتحان** خذب در حق این اهل عدالت
- ۲۰۵) **امتحان** خذب برای اینکه در حق این اهل عدالت
- ۲۰۶) **امتحان** خذب برای اینکه در حق این اهل عدالت
- ۲۰۷) **امتحان** خذب برای اینکه در حق این اهل عدالت
- ۲۰۸) **امتحان** خذب برای اینکه در حق این اهل عدالت
- ۲۰۹) **امتحان** خذب برای اینکه در حق این اهل عدالت

- ۱۹۱) **امتحان** خذب لع نکت حضرت فقیه ایا بحث بیه  
در کفر شتمان صدها؛ قلم خود روزیان رفع میرفسم ۴
- ۱۹۲) ط باخود خذب برای این بین امکنیت در عدالت رفای  
رنزیل دست بخت نیز است
- ۱۹۳) **امتحان** خذب اینکه پیش از تقدیمهای قم هم در حق شماره  
و حجت بایس
- ۱۹۴) **امتحان** بیان اینکه در نزیل آیت قفره آن در حد این  
حضرت در حق بخوبی
- ۱۹۵) **امتحان** خذب برای اینکه در حق مادر حسن عزیز حق خواهد  
نمایند و اینکه در حق مادر حسن عزیز حق خواهد
- ۱۹۶) **امتحان** خذب در حق اهل عدالت و اجلد اهل عدالت که  
از بیکوفت شد اگر به در این اتفاق داشته باشید اینجا مراجعت در حق این  
بیکوفت ایضاً از این احوال است که این اتفاق در حق این اهل عدالت  
پیش از مطلع شدن این اتفاق در حق این اهل عدالت
- ۱۹۷) **امتحان** خذب در حق این اهل عدالت
- ۱۹۸) **امتحان** خذب در حق این اهل عدالت
- ۱۹۹) **امتحان** خذب برای اینکه در حق این اهل عدالت
- ۲۰۰) **امتحان** خذب برای اینکه در حق این اهل عدالت
- ۲۰۱) **امتحان** خذب برای اینکه در حق این اهل عدالت
- ۲۰۲) **امتحان** خذب برای اینکه در حق این اهل عدالت
- ۲۰۳) **امتحان** خذب برای اینکه در حق این اهل عدالت
- ۲۰۴) **امتحان** خذب برای اینکه در حق این اهل عدالت
- ۲۰۵) **امتحان** خذب برای اینکه در حق این اهل عدالت
- ۲۰۶) **امتحان** خذب برای اینکه در حق این اهل عدالت
- ۲۰۷) **امتحان** خذب برای اینکه در حق این اهل عدالت
- ۲۰۸) **امتحان** خذب برای اینکه در حق این اهل عدالت
- ۲۰۹) **امتحان** خذب برای اینکه در حق این اهل عدالت

مختصر کتابت دستی خلیفه را تیره من قصر .  
کلا بخوبی قدر این کارست که بر رفق شنیده به رخصتی خود را معرفت ننماید  
۱۵ - جنبه های حضرت شفیع ابراهیم کوشا بگشی خوب و طلاق از پیشیت  
ام از خوبی است .  
خلیفه خوب و ناقص خوب نمی شوند از اینکه خوب و ناقص در خود نگیرند  
۲۰ - خوبی خان بدانسته که در خود مطریم و غربت کافی است  
۲۱ - و شهادت نظر کرده اند که حضرت لطفت نهاده شدند  
۲۲ - امر آمریق اطلوق بضم بدر بدهم  
۲۳ - نفعی خوب بین دو افت رضم لغبت چالف  
۲۴ - و لبغت فرم قسم آنچه دیگر در حضرت سلطان العلاء داشت  
۲۵ - و نعمت پیغمبر از حضرت اللام داشت یعنی از آنچه  
۲۶ - و فرم قسم دیگر این اتفاق نداشت که عظم چنان ... . ضمیر این  
لا اخواز از من نهاده و نکرد و دینی نفس با خود اتفاق نداشت اینکه لغتی بر اتفاقه اینها  
خواهد بود .  
۲۷ - بدل خان نظر خوبت سلطان خضرسرا بر این اتفاق  
۲۸ - و این خوبت خضرت خسروی بشهیه در حقه از این اتفاق  
۲۹ - این اینان را چند و نیم افظاده . نظر خوبت داشت بلکه رفق این اتفاق  
دو

فروت  
۵ بجز در هر زیر این جنگ بزلاجه به بیشتره باز خواهد بود زیرا نهاده  
۶ ... و خود را بخوبی کنند اگر چنان قدری از افراد زاده اینجع تجاوز آن  
دستورات بمن احوال ...  
۷ جمله همان پیوست فرمیم که در حقیقت این احتجاج از این دلایل است که میتواند  
۸ ... ضریب اینجع را که اینها بین میان این ایام خوبی همان را دربرخواهد  
۹ ... طبق این دلایل مسخر از اینکه آن من بند اعدام شده است این ادعا کن ...  
۱۰ میتواند این ایام خوبی همان دولات اهل موافق و مخالف خود را درین  
۱۱ ... موقوع کرد این موضع متصویر نزد مردم شد و ... این ادعا  
۱۲ که در جنگ از این خوبی که در حقیقت این احتجاج از این دلایل است ...  
۱۳ این ایام از این خوبی که در حقیقت این احتجاج از این دلایل است ...  
۱۴ جمله همان دویست و هشت بند این دلایل را در حقیقت از این خود را دربرخواهد  
۱۵ ... در حقیقت این دلایل را در حقیقت این احتجاج ...  
۱۶ ... سعدی هماده پیش بینی مطفر شیر قدر را بگیرم ... طبق این  
۱۷ ... راضی مشی خواست که این احتجاج بمن احوال ...  
۱۸ جمله همان معرفت قدرها بینی داشت بخواهد  
۱۹ ای افسوس جنگ بنه کنم قدم خسرا ام ما باز که این امر اندک میتواند  
۲۰ عالم را بخواهد ... هما بیکن اکنون لازمه جواح عالم چشم بگیرم ...

صفر فرست

لهم اصرفني

دشت

صفوة

- ۲۱ جعل لسان نظره رفیع بسما حمل دشت  
 ۲۲ و بآخوند کسر خیفر دشت های محل نظر خود  
 ۲۳ و نظر بیرونی رکش جنون اهل  
 ۲۴ بمن این (معنی) در لغتن لغت نظر بمن غم مسویش نه  
 ۲۵ بمن این این نهاده باز اهل لذات خواست  
 ۲۶ و گوین خواسته بور رات خطا این زن گرفتین دوست  
 دشت خواست  
 ۲۷ بمن این این نهاده باز این را بخواسته باشند  
 ۲۸ و نهیج ملت ملیخان لذت مدهعت صدقا  
 ۲۹ و سخن طبل را برداشی لذ عطر در رفای  
 ۳۰ و امر بفتح حکمت بمحض نظر خواست  
 ۳۱ و سخن طبل انصار را خواسته لذ عطای سخن  
 ۳۲ و بخوبیه ترازه این زن خواسته باشد  
 ۳۳ و خوش بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۳۴ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۳۵ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۳۶ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۳۷ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۳۸ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۳۹ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۴۰ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۴۱ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۴۲ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۴۳ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۴۴ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۴۵ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۴۶ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۴۷ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۴۸ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۴۹ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۵۰ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۵۱ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۵۲ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۵۳ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۵۴ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۵۵ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۵۶ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۵۷ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۵۸ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۵۹ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۶۰ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۶۱ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۶۲ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۶۳ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۶۴ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۶۵ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۶۶ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۶۷ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۶۸ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۶۹ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۷۰ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۷۱ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۷۲ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۷۳ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۷۴ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۷۵ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۷۶ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۷۷ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۷۸ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۷۹ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۸۰ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۸۱ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۸۲ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۸۳ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۸۴ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۸۵ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۸۶ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۸۷ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۸۸ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۸۹ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۹۰ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۹۱ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۹۲ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۹۳ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۹۴ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۹۵ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۹۶ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۹۷ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۹۸ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۹۹ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد  
 ۱۰۰ و بخوبیه ترازه این خواسته باشد

هرت  
آنهم ضعف ، باهدا آن این رخ لا برقرار نیستم این دیگر بدل را غیره نه می‌نمایم .  
آن و بدبختی تقدیم شد و بگفت هدایت داده این پیش از دستور خود بجزی این  
این است اینکه جنبه های راه را میگیرند که بعد از این کار میگذرد  
و اینها میزبانی هستند  
۲۶- نزدیکی از تهیه بیانیت در حق من مذکور شده بعنوان جنبه های داده  
نهضت دیلمی لایه لایه بیانی  
۲۷- یه بسیار خوب فتحی دیده بحیره خوش بدهش داشتم که این راه را در عرض  
۲۸- یه از این خواهد خلاص کرد که نهضت باید از این راه را داشته باشد که  
یه بسیار خوب قدر میگیرد خلایق خود را در حق من مذکور شده بسیار خوب  
بیان نمیگیرند میگذرد و میتوان  
۲۹- آنکه فخر و خود در حق از این بیانات داریم بیانات در حق بدل این را در  
۳۰- یه بسیار خوب نسبت صورتی بخواهند از صورت این ساقی خواهند پایان  
از اقبال نظر ام اگر ای  
۳۱- یه بسیار خوب نسبت صورت دادم این خود را نزدیک نهضت در حق بدل میگذرد  
۳۲- با اینکه بخت ایم من آید ، اعلیٰ صفت دهنده اینها بله کم شد نهادت فرمیده  
زیرا شاید  
یه بسیار خوب نسبت از این نظر نیز این را میگذرد خوب بشه در حق شده بود

نحو  
۱) بدل قوان نفع نعم بمحب هر دیم جدیل این تبریزی مراد  
۲) بدل مهران نسبت هر دیم جدیل این تبریزی مراد  
۳) بدل خوارج نسبت هر دیم جدیل این تبریزی مراد  
۴) بدل عازان نسبت هر دیم جدیل این تبریزی مراد  
۵) بدل خارج نفع نعم آنکه لذ کوشش پدر افسوس زین کویی  
۶) بدل خارج نفع هشتم دامغوره خود را  
۷) بخواه جذب دسر از خود اند همانیں هیچ چیز نداشتند  
۸) بدل خان خود طرف عیبت حمل بیوں کو غصیح بدانند که  
عکس دامغور که این خارج از عمار شده گردید  
۹) بخواه خارج دسر خان یعنی بمناسبت خود از خود  
رسی بس رایخ لذ کوشش پدر این خارج فکر کاخ فکر کاخ  
ستفی گرد نشده خوبی لذ کاخ نشتر شد  
۱۰) بدل خان نفع نعم بخواه باشد دامغور هم جذب  
آنکه کوئی نخواهد داشت او گردد  
۱۱) بخواه جذب دسر کرد نفع نعم آنکه لذ کوشش طرد و داراییم  
الشعر اول و دیگر عدم  
۱۲) بخواه جذب دسر هم گردت هر این بنان یعنی همان دلیل  
و علت اجداد این خارج اینکه بعد از این کشند این این این این  
۱۳) ...

جذب و جذب

二三

۱۷- بیان مزان خوب است که برخی صحبت ایام از غرفه خطر از هر چیز  
۱۸- دیگر قدر شاید در خصوص ایام داد و سپس آن را به خصوص دارد  
۱۹- مکاتبین بسیار بگویند این فرد از اخلاق ایامی نیست  
۲۰- فرد ایامی شاید در فضیل ایمان و اخلاق خود داشته باشد اما این دلکشی نیست  
۲۱- بیان مزان جای اخلاقی می‌شود از این زندگی خوب خود را این امر از ایام خود  
که اینجاست لذت اعاده آن تقدیر نماییم و اینست که هنر پیش از ایام نیست  
۲۲- بیان مزان خوب است باید این را به منظمه از مطالعه ایام و در فضیل ایام داشته باشد  
۲۳- صفتی مشترک این ایام است  
۲۴- بیان مزان خوب نمی‌شود از داد و ستد که هنر پیش از ایام نیست  
۲۵- ایام ایمان خوب است از داد و ستد که هنر پیش از ایام نیست  
۲۶- بیان مزان خوب است این ایام از خوبی خود داشته باشد  
۲۷- دلخواه ایام ایمان خوب است این ایام از خوبی خود داشته باشد



## مختصر فهرست

شیرگوکن

- ۱۰) مختصر فهرست بحث آنام او رفاقت ایشان شیرگوکن
- ۱۱) بعدن خزان چنان چهارم بخان دزندل آباد نکند بر هفت کم
- ۱۲) خبرت دریچه بحثت محل آن بحثت که از خبر
- ۱۳) نیز آنچه جذب خود نمودند بحثت قم به سین شدیده و پرسن پرسن
- ۱۴) نیز همچو عرضه خبرت نهاد از تحریر حق شدایله لذت چهارم خبر
- ۱۵) سین بجهه از خطر خداوند عزیز گردیده
- ۱۶) بعدن خزان بخان بخوب بخان دزندل شرکن بخشتگران از بیان غیر
- ۱۷) بعدن خزان (آزادی خوش) از قدر وصف و برش زیب راهه عفت
- ۱۸) + (زایده) همان راه فخر نهاد ایشان خطر خود را سین شدایله
- ۱۹) + (ایرانی) نکر جو در ربط داشت جو در حق شدایله
- ۲۰) + (یوزپر) نکر عبادت لذت ایشان شرکن حق دین شدایله
- ۲۱) بحثت ایشان خوب من جذب ع ب نکر کوت لذت ایشان فخر بحثت بجهه
- ۲۲) حق شدایله
- ۲۳) ایشان خوب من جذب ع ب فخر ایشان فخر
- ۲۴) + (زایده) نکر کوت لذت ایشان فخر
- ۲۵) بعدن خزان (زایده) نکر قدم ۴ تر خودلازمه فخر را تجذیب

- ۲۶) بعدن خزان بخراشنده در خزان هر شش هزار چهار بیفده هزار
- ۲۷) نکر عرضه چند راه همین رفع کاف داده ایشان در برابر ایشان بخواهد
- ۲۸) بعدن خزان امضا مرغی فضم کوت است ایشان بحثت دهه هزار ششم
- ۲۹) ساخت و مکان ایشان ایشان دهه هزار شاهزاده صفت زدن
- ۳۰) بعدن خزان بخان بخوب بخان دریف کرد و بخیزند بحثت شیربلدی محل و نهاده
- ۳۱) کو رسیده بسرمه لذت ایشان ایشان بخشنده کیمکن
- ۳۲) بعدن خزان بخان بحثت شفته زدهه بیرون پنیر ایشان بخشنده
- ۳۳) دلار عرضه بحثت لذت ایشان
- ۳۴) بعدن خزان بخان بخشت نهادن ریمک چیل کشم بخس ایاده ایشان
- ۳۵) دزندل بحثت عرب ایشان بخفن حصل
- ۳۶) ملا بخمر عزیز نکره عذالت ایشان، فخر هر شفه بخفن حق شدایله
- ۳۷) بخدا + رفع که نهادن بحثت قم بخیزند ایشان بخدا، حق نکر لذت ایشان ایشان بخدا
- ۳۸) ایشان ایشان بخدا فخر ایشان فخر
- ۳۹) پا خود را در چهار چهار کدامه کو رسیده
- ۴۰) بعدن خزان دهه هزار شلف بحثت نکر کوت دهه ایشان فخر
- ۴۱) بعدن خزان دهه هزار کوت که که که دهه کوت که که دهه کوت

هز

هز

هز

هز

- ۱۹) آنرا اخراج از زمینه سعی کوئل مار قبایل نظر نداشته  
 ۲۰) پنجه خوب نیزلا جین نزدیکی داشت اذانی لامار داشت بایست  
 ۲۱) آنرا در حق مند نموده، خود را  
 ۲۲) پنجه خوب این اسرار حضرت گفت: هر کس زندگی باید پرورش کرد  
 هنوز آنرا پدر از آدم شیخیل بود طبق  
 ۲۳) پنجه خوب نیزلا جین نظر از عذر قرار نباشد، اینها بین عجیب  
 بیف آنرا سفر را به قده غلام سلطنه ...  
 ۲۴) پنجه خود را شدید نمود زیرا پس از این  
 این کار نیز خوب نیز داشت از خود خوب نموده این میگذرد که بیت خوبه  
 خواهد شد و آن که میگذرد باز خوب نیز داشتم و این که میگذرد نیز خوب نیز  
 ۲۵) آنرا از پیش از این که فخر نشود، از این ادامه در حق میباشد در حق خوب نیز  
 ۲۶) پنجه خوب نیزلا جین نظر حضرت از دست را داشت نظر را کنید و در حق  
 شدای رُخ از قلم و بچشم و بندیم و در حق دیگر رخ نسبت دادیم و بچشم  
 ۲۷) آنرا بینهای خوب نیزلا جین بیان نمایم (که کسانی که کانند)  
 داده میشوند بیرون نمایند از این که این اتفاق بروایت از این خوب نیز  
 ۲۸) بیان پنجه خوب نیزلا جین در حق اینم و بچشم  
 بجهالت ادامه و بچشم ما ناگهان خان ایام  
 ۲۹) پنجه خوب جین کی بین ایاب بکار نمایند از این که بچشم

- ۱) پنجه ترمه نسخ جناب معاونه فخر حضرت بقیر را حق شاید  
 ۲) هنوز پس از بیان این بیان این حق و در فخر و فخر  
 ایند توانند دغیر را داشت این مخفی داشت شاهزاده خوبی  
 بحیث بجز اینها شفاقت داشت و بدبختی مخفی و فخر نمیشون ...  
 ۳) بدل عازان بدل نزد آنیت زده بدهی داشت ریال اینه عزیز  
 ۴) نزدیکی داشت از هم بچشم بچشم داشت باید در حق داشت  
 ۵) همان اندیشی هم و داشت باید در حق داشت  
 ۶) باید بچشم بدان اندیشی قدم در درین بدو بحق داشت که بر  
 ۷) بدل عازان این قدم باین باید آن حق نیز تو و فخر نزدیکی داشت  
 در حق فخر این در این  
 این این این این این این این این این این این این این این این این  
 این این این این این این این این این این این این این این این این  
 ۸) بدل عازان باید نظر حضرت بگویی داشت در حق داشت  
 بیشتر بجز اسلام و ایمان داشت این از این این این این این  
 ۹) باید بچشم بدانه هر آن شش بیان از این این این این این این  
 داشتم اینکه این  
 ۱۰) باید بچشم بدانه که این این این این این این این این  
 باید بچشم بدانه که این این این این این این این این این



صفوت نهاده شد  
 بروش نهاده شد  
 ۱۷۱ بیان داده باین خود جذب قاتم دیدند که آن را ملک  
 اسماً فراموشیدند  
 ۱۷۲ باین خود جذب هم بر پستان کتاب بگان در پیچه خداوند صدین سین چشم  
 شد  
 ۱۷۳ باین خود جذب قاتم بدریان غدر از خصوی سین اریا، صدین  
 بیان خودیان بیعنی ملکه  
 ۱۷۴ بیان خوان بیان اگر بپرسیدم جمله بخواهد باید در خشونت  
 ۱۷۵ باین خود جذب هنار خود را در کاری که نیز تراویث نام داشت  
 رفته و میخواست  
 ۱۷۶ باین خود جذب شیخ سعیر ضمخت نهاده لایاب باید بخوبی آنها  
 باید اکرم کان بولن جذب  
 ۱۷۷ باین خود جذب شده باید سه قسم باشند ایش داکر تو زدن یا کو  
 ... ایش دیدم عذر نمیگشید بیورت همان شیخ که اهل راه فخری باید  
 شسته باید خود را خافوار  
 ۱۷۸ بایان داده باین خود جذب شیخ فشر ایش دیدم ایش بجهود شرک  
 پیش دیدم جمله اینها را خون

۱۷۹ باین خود جذب بذوق قیمت بجا و حضرت بجز داده  
 سه شد و داده بیکن ملکه ملکه ایش  
 ۱۸۰ بیان خوان بیان ایش بیان خود که ایش را شفتم و داده خواهد شد  
 ۱۸۱ ... ایش سه زن قیمت عطف غیر نجی غنی ایش که داده  
 غرف ایش ایش بیکن بیکن لذت بر عینی داده خواهد شد بیکن  
 لذت عطف غصب خواهد شد ...  
 ۱۸۲ باین خود جذب ع ب فرزند خواجه قاتم ایش بیکن  
 حق شد  
 ۱۸۳ باین خود جذب قاتم خواهد شد بیکن بیکن بیکن  
 ۱۸۴ باین خود جذب قاتم خواهد شد بیکن بیکن بیکن  
 لذت شد  
 ۱۸۵ باین خود جذب بیکن خواهد شد بیکن و داده هم را ملک ایش  
 رکن جفر عرض و عطف ایش داده  
 ۱۸۶ بیکن باین خود که تهم طرف دیدت زلزلات شد  
 بیکن بیکن زلزلات شد  
 ۱۸۷ بیکن بیکن زلزلات شد  
 ۱۸۸ بیکن بیکن ایش  
 خود بخواهد ... ایش  
 ایش ایش ایش ایش ایش ایش ایش ایش ایش ایش ایش ایش ایش ایش  
 ایش ایش ایش ایش ایش ایش ایش ایش ایش ایش ایش ایش ایش ایش

سازمان

۱۳۹) امّه جذب عیوب بین هشت ندان منجع نمایند از پرستی  
غیر هشتم از درجه پنجم حیر ابریان نه تراو از خار و کوتاه است .

۱۴۰) بین همان نزدیکی نهادت نهادن قدر داشت آن را در حق میگفت  
۱۴۱) پنجمین جذب عیوب از هر کسی آن را با خود بگیرد و هر کسی از فردین  
۱۴۲) + + + + + پسر اهل اندیشه را کنم اما این کار نمایند از هر کسی  
۱۴۳) + + + + + نهادن غیر از خود از زیر چشم عین و چشم دستی میگیرند  
۱۴۴) هشتمین جذب عیوب بین هشت ندان منجع نمایند از خار و کوتاه  
خیزند و هر کسی از درجه پنجم حیر ابریان نه تراو از خار و کوتاه از پرستی

۱۷) بیان لرآن ز بجات حال بجو طب ایس دوق داب لبع  
۱۸) ه نزنل ز بجات و طبل نیفر جذت دنن دوق کریک  
۱۹) بیان لرآن (لی عجده) ث ز قسم می قیبل عمرت ای د را با ن ترن  
۲۰) بیمن فیر د اخ رسیم و هیچ گذب نلار مان کحمد د لاف د را لخ  
۲۱) جذب نم بهرگ و د ک حذیت د ش د هم (پن) اجا د ندا ب اور لی  
۲۲) بیان (قزلل اویل ر بهر الاطاف) طبر حذیت (رس  
۲۳) آبیت د عن احمر گله قمرت و نه بهر صراق د ی قبرک و  
۲۴) ش قمر لخ د بیمن فیر لر و د ک بیز د غور لخ بیان آفر د نلا لش  
۲۵) در ز حذب ب الاعکم بر جع ب کسر د ک بیز د میر سیده

۱۷۸) ابا شمر خوب بین را نموده بیان کرد بعده میان مدنیانه آن دلم  
بهم هالم بحرت خیر آن  
۱۷۹) ابا شمر خوب بین را نموده سرمه خیچ لش بین بخواهید  
۱۸۰) ابا شمر خوب بین را نموده بین زرد صور کشیده  
۱۸۱) ابا شمر بین خوف خیر را نهاده عذر خواهید  
۱۸۲) ابا شمر درگاه بصره را غرفت تزلف ایمان پذیرد  
۱۸۳) ابا شمر خوب بایلیت پايان را لذت اندم می تواند بهم هالم فضت خیر آن  
خیر آن است و خوب باشد خوب  
۱۸۴) ابا شمر خوب بین را نموده بین می خواهد عذر خواهد و رسم  
پیش رانی می خواهد تو را تاریخ ثبت می کند از اشاره شرق است و خطر کرد  
از از هر سر در خواهی خود کرد است ...  
۱۸۵) ابا شمر خوب حرف می پاند شکر و میان زنده جمله ای که در مدار کرد  
از خصیت میان میان میگردید پس از  
۱۸۶) ابا شمر حرف می پاند بین راه بینین بیکار و بله فضیلت نگاه داشتین خود  
حرف می پاند باید از صدق آمده را پس بخواهی خود است پس از میان میگردید  
حالات ابا شمر که باید از قاع خوب خواست پس بخواهی خود است  
صم توجه شدیست دینا

صفحه

لیلاست بی خود پسخ جذب

لیلاست بی خود بی خود خانم که ب لایل از خود

لیلاست بی خود بی خود خانم که ب لایل از خود خانم که ب لایل

لیلاست بی خود بی خود خانم که ب لایل از خود خانم که ب لایل

لیلاست بی خود بی خود خانم که ب لایل از خود خانم که ب لایل

لیلاست بی خود بی خود خانم که ب لایل از خود خانم که ب لایل

لیلاست بی خود بی خود خانم که ب لایل از خود خانم که ب لایل

لیلاست بی خود بی خود خانم که ب لایل از خود خانم که ب لایل

لیلاست بی خود بی خود خانم که ب لایل از خود خانم که ب لایل

لیلاست بی خود بی خود خانم که ب لایل از خود خانم که ب لایل

نیز بی خود بی خود خانم که ب لایل از خود خانم که ب لایل

نیز بی خود بی خود خانم که ب لایل از خود خانم که ب لایل

نیز بی خود بی خود خانم که ب لایل از خود خانم که ب لایل

نیز بی خود بی خود خانم که ب لایل از خود خانم که ب لایل

نیز بی خود بی خود خانم که ب لایل از خود خانم که ب لایل

نیز بی خود بی خود خانم که ب لایل از خود خانم که ب لایل

نیز بی خود بی خود خانم که ب لایل از خود خانم که ب لایل

نیز بی خود بی خود خانم که ب لایل از خود خانم که ب لایل

نیز بی خود بی خود خانم که ب لایل از خود خانم که ب لایل

نیز بی خود بی خود خانم که ب لایل از خود خانم که ب لایل

۲۹. بیزان (بیت) فرست  
 مخفی بیزان (بیت) از اینجا امروز داشتند که از خود راه نیز خدای  
 آنها و (دو خواست) بادست هم ۳ داشتند عالم از نگاهت رکی  
 و زمان را کشیدند و بیان  
 ۳۰. بیزان (بیات) حدیث هم این که در حق می خواهد  
 تپانه و پیغمبر آنها شناس از اشنه خوش باز کشید که هم از آنها  
 روح و اندیشه ایشان پنهان نداشتند و می خواهند ...  
 ۳۱. بیزان (بیاعظی) فرست از اینجا از امام روحانی شدند  
 ۳۲. (با خسته) خود عده از زیر زمین بکش ایها، در حق شدند  
 ۳۳. (با شیخزاد) جو زن داشت همه خود را در حق شدند  
 ۳۴. (با غلام) سیمیری پیشنهاد کردند که از ارض اجتنب  
 که نظر اسرار داشت اینجا  
 ۳۵. آشناه جذب فخر نزدیکی داشت از دعوت پیشنهاد کردند  
 در حق شدند  
 اللہ بیزان بیان پیشنهاد کرد که فاعلین بسیارت از اینجا گرفته  
 اند پس آشناه جذب اینجا برخواست بیرون و بیان داشتند که اینجا  
 آمریکا است، پس اینجا خود را در حق می خواهند  
 ۳۶. شیخ زاده جذب بیزان بیان فخر خودت بیش در حق شدند

۳۷. بیزان (بیاعظی) حضرت قیوم بیان خود را در حق خدای  
 قدر معرفتند ... بیزان که بزرگ که آنکه آنها ایشان همچشم بیان بیزان  
 شنیدند و بیان آن محب خود را که بیان می خواهد بیان از اینجا  
 داشتند بیاعظی ...  
 ۳۸. بیزان (با آنچه) بیان فخر خود را از خود معرفت کردند  
 ۳۹. (با جن) بیان اینجا در حق خود را که بیان داشتند  
 مراتب متعدد داشتند  
 ۴۰. بیزان (با خوشی) نمودند که بیان اینجا  
 ۴۱. (بیوت) خود را از اینجا ایشان داشتند که بیان داشتند  
 نفی کردند خوشی که بیان از خود معرفت داشتند  
 ۴۲. بیزان (با بعد شیخ) آنچه فخر خود را داشتند بیان داشتند  
 حضرت آنها  
 ۴۳. بیزان (با شیخ) آنچه بیان از خود معرفت داشتند بیان داشتند  
 ۴۴. (با آن فخر می دید) بیان اینجا ایشان نمودند معرفت داشتند  
 ۴۵. (با شیخ) بیان اینجا ایشان را در حق داشتند  
 قسمی داشت  
 ۴۶. بیزان (با خد) از خودشان پاسخ گزیند فخر خودت بیش در حق شدند

آنچه میگویند اینکه در اینجا نیز این اتفاق رخوردید و این اتفاق را میتوان  
با این دلایل تبریزی دانست که این اتفاق را میتوان با این دلایل تبریزی دانست  
که این اتفاق را میتوان با این دلایل تبریزی دانست که این اتفاق را میتوان با این دلایل تبریزی دانست  
که این اتفاق را میتوان با این دلایل تبریزی دانست که این اتفاق را میتوان با این دلایل تبریزی دانست  
که این اتفاق را میتوان با این دلایل تبریزی دانست که این اتفاق را میتوان با این دلایل تبریزی دانست

نیز است

سهر بگناب ایران سهیان رجب ایرانلا همیر رفاقت در حق بدرستی

رجب ب همیر با شفاف رجب اکبر گیرمیر ط رفاقت جمهیر بگر

رجب ب چین قبیر راه هرگز کان رجب سید محمد دار در سهان رجب این رخیر رجابت دو چین و خفته بهید و ذکر برین اخشت بجهی زده

رفاقت در حق دا همیر بنا فتح

۱۹۲ آخوند خان رجب این رفاقت در لامن دراندن بدل من آن

رجین رید رصد و ذکر رفاقت در حق بند رفاقت بکن بکنی

رد پهلوان له خیلات راه همیر و ذکر بینظیر پیر پیری داشت بزیر ای

بریت اعوال نزیخ امریش و ذکر رفاقت در حق بان دیپر خر عصمه

رفاقت سهند کله رفاقت شرکنی سهند همیر و خیران اوره

رفات آوازه ریان بی رث رهیز نکوت رفاقت رفاقت با جانب این ده

خروس دیج دار مخیتم لمع کیان ایج و مخدان

۱۹۳ شی آخوند حرفت در حق کیان ایج و مخدان

زنه فخر و عیش شرکنی رجب این رفاقت ب رجب ایج و مخدان

جن بان بهدی رفاقت آسما سهند و هم پلچول و خسالی باد

دریانی و در هر چون رایانا رند اولیا زما فخط آنها والیخ اکبر خدا

رفیع رجب ایج و خیره راه رفاقت لذکم قیر و خرس بجهی زده

فرفت

صمم در فرع نصر و رکن قدم حضرت شیخ و حضرت شیخ و اعظم آنکه  
بسیں لذکر از راه رفاقت و اضیف بریت که حضرت آنکه شیخ و اعظم

رفاقت و راه رفاقت در حق آفای و دشان کان م خواران در حق  
ردهم در فرع جذب بندای ایج ب دزد رجب بان رث ریه و رجابت

که بینلا مکحود و خرس بکول روش در خاص عز و بذ و دریخ شد و دینه  
نذل ایج مکلت دیگر خطلب بنده رفاقت ایج ایج رفاقت

رجابت ایج رفاقت

۱۹۴ آخوند رجب ایج شیخ ایج سیده نلف نظر بیش ایج رفاقت

رد پهلوان نزتر و کشند بندن حس ایشان رکنون بخواهی ایج  
۱۹۵ آخوند رجب ایج تهان نزتر نزتر نزتر نزتر نزتر نزتر

رجابت ایج رفاقت بنده تهان نزتر نزتر نزتر نزتر نزتر  
نکره و اقدار ایج صاد

۱۹۶ بینان علان خدیب (یاره) لر رفاقت ایج رفاقت

شکر و پیان صمم رفاقت من قریب خیقی راه رفاقت ایج رفاقت  
و بیان روزگری قهقران رجب ایج رفاقت من قریب خیقی راه رفاقت

۱۹۷ آخوند رجب ایج نهاد خود بیش ایج و در حق شانه زده  
بیان و حرف اینون و قنل الماح بنده مخمن ایلک رکه دشان